



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۴/۲۶/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

در معنی کلمه «دهراوت»^۱

دهراوت یکی از محلات قدیم است که امروز در محدوده جغرافیای سیاسی کشور ما و در ولایت ارزگان قرار دارد. این ناحیه که یکی از نواحی تاریخیست، در سرود های ویدی به هیئت «هراوتی» یاد گردیده است. ر. ک: (تاریخ صنف دهم ص ۳) این کلمه ترکیبی از دو جزء ساخته شده است: ده + راوت. ده که در زبان پارسی و زبان های دیگر اقوام کشور ما کاربرد دارد، ریشه آن کلمه «دخیو» در اوستاست که در زبان پهلوی «دهیو» شده است و در زبان ها و گویش های امروزی مردم این حوزه فرهنگی به هیئت های ده، دی، دای و ته در ترکیب اسم های بعضی اماکن بهجا مانده است. جزء دوم این کلمه که راوت است، به نظر این قلم همان کلمه «راود» در زبان پهلوی است. کلمه راود در لغت نامه ها چنین معنی گردیده است:

راود: رواد، جایگاهی باشد پشته پشته و پر آب و علف، سبزه زار با آب روان چنان که چراگاه چهار پایان را شاید. در صحاح الفرس بیت ذیل از دقیقی در رابطه شاهد آورده شده است:

فسیله براود همیداشتی- شب و روز بر دشت بگذاشتی

همچنان کلمه راود در یکی از ابیات منوچهری نیز آمده است:

ابر بهار باز کند مطرد سیاه- هر گه روی خویش به راود کند همی

پس دهراوت (دهراود) که همان هراوتی دوران ویدی بوده است، محل پر آب و علف و یکی از چراگاه های مشهور آریایی های باستان بوده که در سرود های ویدی از آن به هیئت هراوتی یادآوری گردیده است. در فرگرد یکم و نندیداد، بند ۱۳ نیز از سرزمینی به نام هرهویتی، دهمین سرزمینی که اهورامزدا آفرید، یاد گردیده است؛ اما مرتبان آن اثر چنان که اسم های اوستایی تعدادی از مناطق مندرج در فرگرد یکم و نندیداد را با اسم های سرزمین های امروزی چون مرو، بلخ، نسا، هرات، گرگان و ... انطباق نموده اند، سرزمینی به این اسم را با هیچ ناحیه و منطقه امروزی انطباق نکرده اند. بنابراین به نظر این قلم سرزمین هرهویتی دوران اوستایی، همین دهراوت (دهراود) خواهد بود.

هراوتی در زبان سانسکریت که اسم قدیم این ناحیه و در مجموع سرزمین اراکوزیا (ارغنداب) بوده است، ممکن است که در زبان سانسکریت نیز همان معنی را داشته که راود (راوت) در زبان پهلوی داشته است. از معنی کلمه هراوتی معلوم می شود که کلمه هرات نیز با این معنی رابطه بگیرد. سرزمین هرات به شمول ولایت همجوار آن (بادغیس) سرزمینیست دارای مراتع سرسبز و چراگاه های وسیع که در طول تاریخ شهرت به سزایی داشته و از جمله یکی از شواهد تاریخی از چراگاه های این سرزمین، داستان نصر ابن احمد سامانیست که به نسبت همین ویژگی هرات، چندین سال را با قشونش در آنجا اتراق نمود و افسران نظامی نصر سامانی، مشکل دوری از خانه و خانواده شان را با رودکی، شاعر بزرگ دربار سامانی در میان گذاشتند و رودکی توانست با سرایش شعر مشهور «بوی جوی مولیان»، شاه را برانگیزد تا عزم سفر پایتخت خود، بخارا را بگیرد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

یکی از کلمه های که با کلمه راود از لحاظ بار معنی همسویی و همخوانی خواهد داشت، کلمه «کردن» است و این کلمه در صحاح الفرس به معنی زمین پشته پشته و دره و کوه آمده است و دو بیت از عنصری و ناصر خسرو در زمینه شاهد آورده شده است:

در شام گرد لشکرش از بنگری همی- بینی علم علم تو بهر دشت کردی

(عنصری)

شمال اندرو گر بجنبد نداند- نشیب از فراز و از کوه کرد

(حکیم ناصر خسرو)

اما این کلمه در لغت نامه دهخدا به معنی دره میان دو کوه، روستا، آبادی و ده آمده است. همچنان معانی این کلمه در لغت نامه دهخدا با تمسک به فرهنگ های دیگر این هاست: دره بود. (فرهنگ اسدی) زمین کوه و دره را گویند. (برهان) و در زمینه بیت بالا از عنصری به این صورت ثبت گردیده است:

خوارزم کرد لشکرش از بنگری هنوز- بینی علم علم تو بهر دشت و کردی

بیت عنصری به هیئتی که در صحاح الفرس درج گردیده است، ذهن در معنی کلمه کردن، بیشتر متوجه تپه و بلندی می شود. اما این بیت به هیئتی که در لغت نامه دهخدا درج گردیده است، معنی آن بسیار مبهم است و نمی توان حکم نمود که این کلمه معنی بلندی و تپه را افاده می نماید و یا دره و فرو رفتگی زمین را. به نظر من با موجودیت حرف او در میان دو کلمه دشت و کردن، ممکن است که کردن از لحاظ بار معنی، مترادف دشت باشد و ترکیب و یا اصطلاح علم علم به خودی، برآمدگی های را در اثر موجودیت لشکر در یک سطح هموار (دشت و کردن) در ذهن تداعی می کند. اما کلمه کردن در بیت ناصر خسرو به معنی دره و فرو رفتگی خواهد بود؛ زیرا همان گونه که متضاد نشیب، فراز است؛ متضاد کوه نیز دره و فرو رفتگی زمین خواهد بود. پس کلمه کردن در بیت حکیم ناصر خسرو به معنی دره خواهد شد. با وجود این هم، معنی کلمه کردن یکی از مجهولات در زبان پارسی ست و به تحقیق بیشتر نیاز است.

یک ترکیب دیگر که از لحاظ بار معنی با کلمه راود، مترادف می باشد، «کنده و رش» است. این ترکیب در صحاح الفرس به معنی زمین پشته پشته است و در راستا یک بیتی از منجیک شاهد آورده شده است:

هر چه بخواد بده که گنده زبانت- دیو رمنده نه کنده داند و نه رش

پس ترکیب کنده و رش که به احتمال بسیار زیاد از دو کلمه کنده و رش ساخته شده است، هر دو کلمه های مستقلی در زبان پارسی اند. کلمه رش به نظر این قلم شکل تغییر یافته کلمه راش به معنی راست و مستقیم خواهد بود. کلمه راش برای نواحی از کوه که غیر قابل عبور باشد، استعمال می گردد و نیز اطراف و کناره های جوی ها و نهر ها که در نتیجه کندن کاری به وجود می آیند را راش می گویند. کلمه کنده نیز همان است که با مصدر کندن در زبان پارسی و کندک کلمه پهلوی رابطه می گیرد.

پایان

منابع

- اگر دش، محمد صالح. ریشه و معنی واژه اوستا. مزارشریف: مطبعه صورتگر، زمان چاپ ۱۳۹۷، صص ۱۵۴-۱۵۰
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه. صحاح الفرس (فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری) به اهتمام دکتر عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۵
- علی اکبر دهخدا. لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- وندیداد. برگرداننده: شادروان ابراهیم پورداوود. تهیه و نشر الکترونیک، علیرضا کیانی و احسان م. منتشر شده در تارنمای

www.TARIKF.COM

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپرولو مخکې په خیر و لولئ